فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، پیاپی ۱۲
صفحات ۱۱۳-۹۳

اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل‌خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد غرب

احمد یعقوبی‌فرانی*، استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
سارا جلیلیان، کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

تاریخ دریافت:۱۳۹۳/۳/۳۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۲۹

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام آباد غرب پرداخته شده است. جامعه آماری مشتمل بر ۲۰۰ نفر از زنان صاحب کسب‌وکار در مناطق روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب بود که از بین آنها با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان تعداد ۱۴۰ نفر به‌عنوان نمونه تعیین و به طور تصادفی انتخاب شد. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی محتوایی آن توسط اساتید و متخصصین، بررسی و تأیید شد و جهت تعیین پایایی پرسشنامه نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط زنان روستایی در فرآیند پیش‌آزمون تکمیل و ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های مذکور محاسبه شد که در نهایت مقدار۰/۸۸= α به‌طور میانگین برای بخش‌های مختلف پرسشنامه به‌دست آمد. بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، مهم‌ترین تأثیرات اقتصادی مشاغل خانگی بر زندگی زنان روستایی را می‌توان در چهار دسته کلی شامل بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، افزایش آگاهی‌های اقتصادی، افزایش استقلال مالی و ارتقاء قدرت ریسک‌پذیری و نوآوری تقسیم‌بندی نمود که مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این چهار عامل، ۶۵/۴۵درصد می باشد. همچنین مهم‌ترین اثرات اجتماعی این‌گونه مشاغل بر زندگی زنان روستایی نیز شامل پنج مؤلفه اصلی (افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی، علاقمندی به کسب اطلاعات، توسعه ارتباطات نهادی، توسعه ارتباطات اجتماعی و افزایش سطح مشارکت گروهی) بود که مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این پنج عامل نیز ۶۸/۴۴ می باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال، مشاغل خانگی، تأثیرات اقتصادی، تأثیرات اجتماعی، زنان روستایی.

*Email: yaghoubi@basu.ac.ir

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

۱) مقدمه

امروزه توجه به زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی موفقیت برنامه‌های توسعه در کشورها می‌باشد (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۹۲). تقریبا از اوایل دهه‌ی۱۹۷۰میلادی، موضوع مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی شد و تا سال۱۹۸۰بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به‌وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار داده و در راستای آگاه‌سازی و حساس‌سازی جوامع نسبت به اهمیت و جایگاه فعالیت‌های اقتصادی واجتماعی زنان جامعه تلاش نموده‌اند(سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹). این موضوع در مورد زنان روستایی به مراتب از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است؛ زیرا از یک‌سو زنان در جوامع روستایی اکثر کشورها تجربه متفاوتی از تبعیض و محرومیت را در مقایسه با زنان شهری داشته (Croll, 2005) و از دیگر سو با اقدامات توسعه روستایی در طی دو دهه اخیر، ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی در این گروه به عرصه ظهور رسیده که عدم توجه به آنها، هدر رفتن منابع انسانی کشوررا در پی‌خواهد داشت.

در همین راستا و به‌منظور فراهم‌سازی فضایی برای ایفای نقش مؤثر زنان در فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی و توسعه فرصت‌های شغلی در جامعه و به تبع آن دستیابی به سطح بالاتری از بهره‌وری نیروی انسانی، طرح توسعه مشاغل خانگی به‌عنوان یکی از راهکارهای موفق تجربه شده درسایر کشورها در سال‌های اخیر مورد توجه دولت قرارگرفته است. این طرح با همکاری سازمان‌های مختلفی از جمله جهادکشاورزی، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباریو سایر نهادهای مرتبط، در سال‌های اخیر به مرحله اجرا درآمده و با تلاش برای شناسایی و حمایت از ظرفیت‌های شغلی قابل انجام در منازل، گام مؤثری برای توسعه کسب‌وکارهای خانگی زنان در جوامع شهری و روستایی با هدف ایجاد اشتغالبا صرف هزینه‌های کمتر برداشته شده‌است. دستورالعمل اجرای قانون طرح مشاغل خانگی، از آبان‌ماه سال ۱۳۸۹ توسط ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی تصویب و دستور اجرای آن به کلیه واحدهای مربوطه ابلاغ شد(وزارت کار و امور اجتماعی،۱۳۸۹).

بدون شک توفیق طرح توسعه مشاغل خانگی به‌عنوان یکی از طرح‌های مورد حمایت سازمان‌های دولتی و مورد استقبال ساکنان جوامع روستایی را باید در کیفیت زمینه‌سازی برای بهره‌مندی مخاطبان این طرح و به‌طور خاص زنان روستایی از مواهب این طرح و به تبع آن میزان بروز و ظهور اثرات و پیامدهای اقتصادی اجتماعی در زندگی آنان دانست. پس از گذشت چندین سال از اجرای طرح توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی شهرستان اسلام آباد غرب، به‌عنوان یکی از مناطق دارای نرخ بیکاری نسبتا بالا در کشور،در تحقیق حاضر تلاش شده است تا به تحلیل اثرات اقتصادی و اجتماعی اجرای طرح

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

مشاغل خانگی بر زنان روستایی شهرستان اسلام آباد غرب پرداخته شود تا با شناسایی اثرات طرح مشاغل خانگی، پیشنهادهایی در جهت بهبود و ارتقاء طرح ارائه گردد.

۲) مبانی نظری

در دو دهه اخیر با افزایش تمایل و گرایش به راه‌اندازی مشاغل و کسب‌وکارهای خانگی از سوی گروه‌های مختلف مردم و به‌ویژه زنان در اکثر کشورها و نیز تمایل دولت‌ها به حمایت از این نوع مشاغل به‌عنوان زمینه‌های شغلی آسان و کم‌هزینه، محققان زیادی به کاوش پیرامون عوامل توسعه این مشاغل علاقمند شده‌اند. با تنوع و گستردگی حوزه‌های کاری و نیز تغییر و تحول در شرایط محیط پیرامون اینگونه مشاغل، ضرورت پرداختن به جنبه‌های جدید و نوظهور در ابعاد محتوایی و فرآیندی توسعه این‌گونه مشاغل در راستای تحقق برنامه‌های توسعه اقتصادی در سطح کلان به میزان بیشتری نمایان می‌شود.در تعریفی ساده، شغل خانگی عبارت از کاری است که توسط اعضا خانواده در محیط خانه صورت می‌گیرد و مزاحمتی برای همسایگان ایجاد نشود و این که در محیط خانه فقط تولید کالا صورت‌گیرد و عرضه، فروش و بازاریابی آن به خارج از محیط مسکونی انتقال یابد(موالی‌زاده، ۱۳۸۹).

در بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای در کشورهای جهان سوم نیز توسعه کسب وکارهای خرد خانگی در محیط‌های روستایی به‌عنوان نوعی راهکار مؤثر در پیشبرد فرآیند توسعه روستایی و بهبود وضع معیشت و درآمد ساکنان مناطق روستایی معرفی شده‌است(Gibson and Olivia, 2010;Reardon, 1997; Haggblade et al, 2009) امروزه این نوع مشاغل از بخش‌های حیاتی و ضروری فعالیت‌های اقتصادی، حتی در کشورهای پیشرفته (میرغفوری و همکاران،۱۳۸۸: ۴۹) و یکی از زمینه‌های مهم و مناسب فعالیت اقتصادی زنان و به منزله‌ی راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان، به‌ویژه برای زنان روستایی، به شمار می‌رود (انتظاریان و طهاسبی، ۱۳۸۹: ۸۰).

مروری بر محتوای مطالعات انجام شده و نظریه‌پردازی‌های صورت‌گرفته در حوزه مشاغل و کسب و کارهای خرد و خانگی و به‌طور خاص، کسب و کارهای راه‌اندازی شده توسط زنان نشان می‌دهد که در غالب موارد، محققان از کسب و کارهای خانگی به‌عنوان یک ظرفیت مناسب برای اشتغال‌زایی و به تبع آن فرصتی برای پدیدار شدن پیامدها و آثار متنوعی برای صاحبان این‌گونه مشاغل و نیز اجتماع محیط پیرامون آن‌ها یاد نموده‌اند. اهمیت این‌گونه مشاغل و اثرات آن در سطوح مختلف به‌گونه‌ای است که حتی بر مبنای نتایج برخی پژوهش‌ها، بین موقعیت‌های شغلی زنان و توسعه‌یافتگی کشورها رابطه مثبتی وجود داشته و توسعه مشارکت مؤثر زنان در فعالیت‌های اقتصادی، به تحقق توسعه و عدالت اجتماعی منجر می‌شود (لاریجانی و شعبانی‌نژاد،۱۳۸۹). آسان و کم‌هزینه بودن کسب وکارهای خانگی در مقایسه با سایر شکل‌های تجارت و کسب و کار را می توان یکی از دلایلی دانست که مطالعات مرتبط با این‌گونه کسب و

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

کارها را در دهه‌های اخیر در کانون توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه‌ی کسب و کار و تجارت قرار داده است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۵). در مورد آثار و پیامدهای ورود زنان به عرصه مشاغل‌خانگی، برخی از مطالعات انجام شده در کشور بروز برخی تأثیرات مثبت نظیر کسب استقلال مالی، خود اتکایی و ایجاد نوعی احساس توانمندی در زنان را تأیید می‌نمایند (عرب‌مازار و سعدی، ۱۳۸۴). به‌طور کلی بنگاه‌های کوچک با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های نظام‌مند با یک‌دیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مزیت‌های کسب و کارهای کوچک همچون نوآوری و تنوع نیز برخوردار هستند (برخورداری، ۱۳۸۹: ۶). بالابودن ظرفیت نوآوری (عباسلوو سبزه‌یی،۱۳۹۰) و سودآوری بالاتر در مقایسه با سایر کسب و کارها(زالی و رضوی،۱۳۸۷) را می‌توان از ویژگی‌های مهم این نوع کسب و کارها دانست. کسب و کارهای کوچک می‌تواند علاوه بر ایجاد اشتغال، در فرآیند توسعه ظرفیت‌سازی نموده و امکان ورود به بازارهای جهانی را نیز فراهم سازند (Ale Ebrahim et al, 2010). بنابر بررسی‌های انجام شده این‌گونه کسب و کارها توانایی پاسخ‌گویی شتابان به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را داشته (Jones and Macpherson, 2006) و به آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند.

اوزکن‌تاکلی و اردوگان[1](۲۰۰۸) در مطالعه خود دریافتند که اشتغال زنان به صنایع‌دستی، علاوه بر تأثیرات اقتصادی برای شاغلان و خانواده آن‌ها، به حفظ و معرفی ارزش‌های فرهنگی یک ملت کمک مؤثری می‌نماید. بوس و همکاران[2](۲۰۰۶) در مطالعه‌ای پیرامون تأثیرات اشتغال زنان به صنایع دستی دریافتند که تجمیع بیشتر شاغلان صنایع دستی در کنار یکدیگر می‌تواند فرصتی برای گسترش شبکه ارتباطی مؤثر بین آن‌ها فراهم سازد. پژوهش بیگس و مسرشمید[3] (۲۰۰۵) نیز در زمینه صنایع کوچک و دستی نیز بیانگر آنست که این صنعت نقش مؤثری در ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و چشم‌اندازهای اقتصادی در بین شاغلین دارد. یازار[4](۲۰۰۵) نیز بر مبنای یافته‌های پژوهش خود بیان می‌دارد که اشتغال به صنایع دستی، سطح مشارکت را در بین اعضا بالا برده و وابستگی شاغلین به دولت و سازمان‌های عمومی را کاهش می‌دهد.

در مطالعه‌ی چامپاتی‌رودسوتی[5](۲۰۰۳) در زمینه اثرات کسب و کار خانوادگی در تایلند، شش عامل: ارتباطات، تولید، مالکیت، ساختار خانواده، سیاست و فرهنگ ملی به‌عنوان عوامل مؤثر بر توسعه اینگونه مشاغل شناسایی شد. در تحقیقی فلورس و رئلو[6](۲۰۰۳) دریافتند که اشتغال زنان به صنایع‌دستی، اثرات اثرات معنی‌داری بر روی افزایش درآمد و سطح زندگی آنان خواهد داشت.

[1] Ozkan and Erdogan,
[2] Bose et al,
[3] Biggs and Messerschmidt,
[4] Yazar,
[5] Champathes-Rodsutti,
[6] Flores and Rello,

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

نتایج تحقیق لی[1] (۱۹۹۵) نیز نشان داد که زنان شاغل در مشاغل روستایی بخشی از دستمزد خود را به خانواده‌ها منتقل نموده و بدین ترتیب اشتغال آن‌ها به توانمندی خانوار منجر می‌شود. در همین زمینه کرول[2](۱۹۸۷) در مطالعات خود دریافت که در خانوارهایی که زنان فعالیت اقتصادی دارند، زنان از سطح بالاتری از عزت نفس برخوردارند.

آگهی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه‌ای بر روی شاغلین کسب و کارهای خانگی در محیط‌های روستایی، به این نتیجه رسیدند که برگزاری کلاس‌های آموزشی و ایجاد بازارهای محلی، فراهم‌نمودن مکان‌هایی برای فروش محصولات و آسانی دسترسی به وام، تأثیر بسیار زیادی در توسعه مشاغل خانگی دارد. همچنین دریافتند که انگیزه کسب احترام و پایگاه اجتماعی، نیاز مالی و بهبود وضعیت اقتصادی باعث می‌شود که زنان به سمت مشاغل و کسب و کارهای کوچک حرکت کنند.

در پژوهش توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، مشخص شد که میزان دسترسی زنان و مردان به منابعی همچون درآمد و تحصیلات می‌تواند اقتدار به نفع هریک از آنان را در خانواده افزایش دهد. همچنین مشارکت زنان در تأمین مخارج می‌تواند اقتدار به نفع زن را در خانواده افزایش دهد. همچنین در پژوهش هاشمی و پورامین‌زاد(۱۳۸۹) نتایج نشان داد که مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف زنان در کسب و کار و کارآفرینی، نیاز اقتصادی، کسب اعتبار و قدرت در جامعه است و مهم‌ترین ویژگی زنان کارآفرین، داشتن خلاقیت و انعطاف‌پذیری است.

طبق مطالعات قلی‌پور و رحیمیان(۱۳۸۸) و کلانتری و همکاران(۱۳۸۲)، بروز خوداتکایی مالی در زنان روستایی به‌عنوان یکی از اثرات و پیامدهای کسب و کارهای اقتصادی، انگیزه‌ی آنان را برای تداوم اشتغال مؤثر و مفید در کسب و کار افزایش داده و در نتیجه کارکردهای شغلی آنان در جهت خدمت به خانواده، اجتماع روستایی و حتی جامعه‌ی شهری افزایش می‌یابد و به تبع آن به طورمستقیم و غیرمستقیم به رشد اقتصادی جامعه کمک می‌نماید. البته براساس مطالعات انجام شده، زنانی که مهارت‌های درآمدزا دارند، در مقایسه با زنان دیگر از کیفیت زندگی بالاتری برخوردارند(بلداجی و همکاران، ۱۳۸۸). دراین راستا لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مطالعه‌ی خود به اثرات اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های فرش دست یافتند.

نتایج پژوهش سعدی و چام‌چام (۱۳۸۸) در استان لرستان نشان‌داد که مهم‌ترین نقش کسب‌وکارهای کوچک زنان، احساس مفید بودن و دستیابی به اعتمادبه نفس برای رو به رو شدن با مسائل است. بر پایه نتایج پژوهش دادورخانی (۱۳۸۵)، در مجموع اشتغال زنان روستایی عاملی مؤثر در ارتقاء سطح زندگی خانوار روستایی به حساب می‌آید. در ارتباط با تأثیرات مشاغل خرد زنان روستایی، مطالعه عرب‌مازار و

[1] Lee
[2] Croll

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

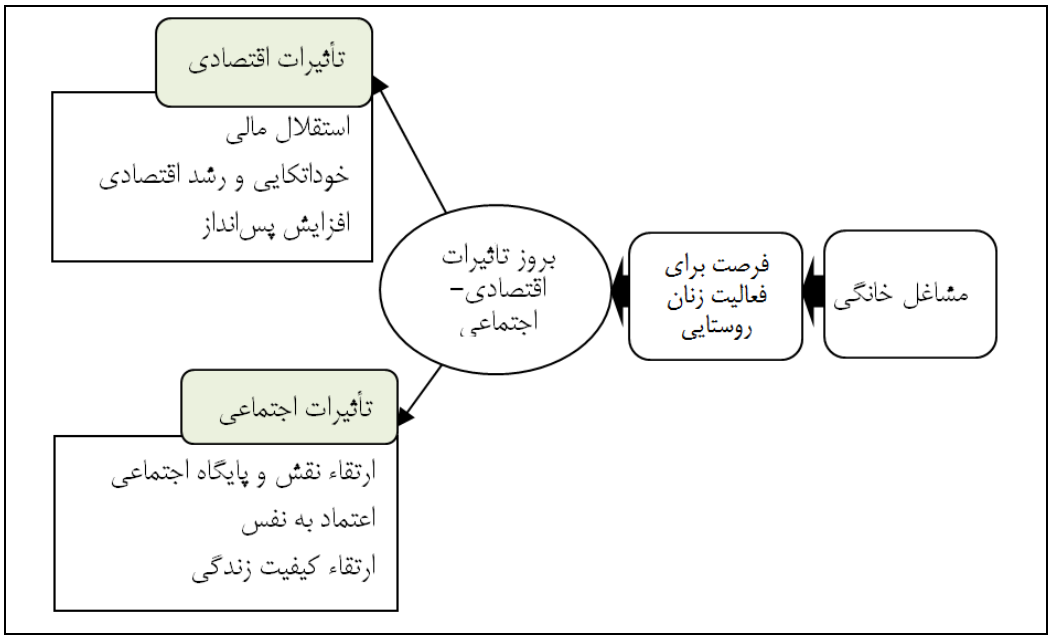
سعدی(۱۳۸۴) نشان‌داد، اجرای طرح‌های اشتغال‌زای روستایی میزان پس‌انداز کارآفرینان روستایی را که عمدتا از زنان سرپرست خانوار هستند، افزایش داده است. این طرح‌ها ضمن بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی، خودباوری و اعتماد به نفس را در جامعه هدف ایجاد نموده است. از سویی با توجه به محدودیت منابع تولید کشاورزی، ایجاد مشاغل غیر کشاورزی در مناطق روستایی به تنوع درآمدی مردم کمک نموده و منجر به بهبود وضعیت معیشتی مردم در این مناطق خواهد شد (نجفی کانی و همکاران، ۱۳۹۴).

انجذاب و همکاران(۱۳۸۲) نیز بر مبنای مطالعه خود دریافتند که از جمله مهم‌ترین نتایج راه‌اندازی مشاغل‌خرد خانگی برای زنان روستایی می‌توان به تغییر رفتارهای اقتصادی زنان و کمک به رشد اقتصادی خانوار، ارتقاء نقش و پایگاه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس آن‌ها اشاره نمود. البته ذکر این نکته نیز لازم است که ایجاد مشاغل جدید بویژه در مناطق روستایی، نیازمند فراهم سازی زیر ساخت های اقتصادی و مالی مناسب بوده (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۳) و بدون توجه به بسترهای اقتصادی لازم نمی توان انتظار توسعه مشاغل پایدار را داشت.

بر مبنای آنچه از پیشینه تحقیقات مرتبط با اثرات مشاغل و کسب و کارهای خانگی بر زندگی فردی و اجتماعی شاغلین بر می‌آید، می‌توان به‌طور خلاصه این اثرات را درقالب اثرات فردی-روانشناختی (انگیزه‌ها و احساس خود اتکایی)، اثرات اقتصادی(افزایش پس‌انداز و تمکین مالی)، تأثیرات بر محیط اجتماعی (تأثیرات فرهنگی و اجتماعی و تقویت شبکه‌های اجتماعی- ارتباطی) و تأثیرات آموزشی و رفتاری(بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینانه، استعدادها و مهارت‌ها و تشویق و ترغیب توسعه کسب و کارهای جدید) خلاصه نمود. بر این اساس می‌توان مهم‌ترین تأثیرات مشاغل خانگی زنان را در مدل مفهومی تحقیق به صورت شکل ۱ ارائه نمود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]



شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

۳) روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع میدانی و از منظر کنترل متغیرها نوعی تحقیق غیرآزمایشی است که به شیوه پیمایشی انجام شده است.جامعه آماری پژوهش، ۲۰۰ نفر از زنان روستایی بوده که در طی پنج سال گذشته اقدام به راه‌اندازی مشاغل خانگی نموده‌اند(اداره تعاون شهرستان اسلام آبادغرب، ۱۳۹۲). با توجه به نامشخص بودن وضعیت واریانس ویژگی‌های این گروه از افراد، از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان برای تعیین حجم نمونه استفاده شد که بر این اساس تعداد ۱۴۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی، نمونه‌های مورد نظر انتخاب شده است. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه‌ی طراحی شده توسط محققان بود که بر پایه‌ی مبانی نظری و پیشینه تحقیق تدوین شد. روایی ابزار تحقیق توسط اساتید و کارشناسان آشنا با موضوع مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار نیز با انجام یک پیش‌آزمون و استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت که ضریب آلفای به‌دست آمده (α =۰/۸۸ درصد) نشان‌دهنده قابلیت اعتماد و پایایی ابزار تحقیق بوده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار $SPSS_{20}$ استفاده گردید. به منظور تحلیل اثرات اجرای طرح مشاغل خانگی بر زنان روستایی از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است.

شهرستان اسلام آبادغرب با وسعتی در حدود ۳۸۲۸ کیلومتر مربع، از شمال به شهرستان پاوه و جوانرود و از شرق به کرمانشاه، از غرب به شهرستان سر پل ذهاب و گیلانغرب و از جنوب به استان ایلام محدود شده است. از کل جمعیت شهرستان اسلام آباد غرب، ۷۵۴۴۸ نفر زن هستند که تعداد ۳۳۷۱۲

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

نفر آن‌ها در روستاها زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در جدول (۱) مشخصات جمعیتی دهستان‌ها و در شکل (۲) موقعیت جغرافیایی شهرستان اسلام آباد غرب نشان داده شده است.

جدول شماره(۱): جمعیت دهستان‌های شهرستان اسلام آبادغرب و نمونه های منتخب

بخش	دهستان	جمعیت زن روستایی	نمونه انتخاب شده
مرکزی	حسن آباد	۴۸۳۳	۲۷
مرکزی	حومه جنوبی	۷۲۵۹	۴۰
مرکزی	حومه شمالی	۲۹۲۲	۱۸
مرکزی	شیان	۳۳۲۹	۱۲
حومه حمیل	منصوری	۲۰۴۱	۶
حومه حمیل	هرسم	۳۷۵۱	۲۰
حومه حمیل	حمیل	۳۰۵۵	۱۷

منبع: مرکز آمار ایران،۱۳۹۲



شکل شماره (۲): موقعیت شهرستان اسلام آبادغرب نسبت به استان کرمانشاه

۴) یافته‌های تحقیق

طبق یافته‌های مطالعه، سن افراد مورد مطالعه بین ۱۹ تا ۶۰ سال بوده است. از بین افراد مورد مطالعه، تنها ۱۴/۳درصد(۲۰ نفر) آن‌ها برای راه‌اندازی کسب و کارشان از سازمان‌های مختلف وام گرفته‌اند. اکثریت زنان مورد مطالعه دارای کسب وکارهای مرتبط با بخش صنعتی بودند؛ و از نظر وضعیت تاهل نیز بیشترین فراوانی مربوط به متاهلین بود. همچنین به لحاظ سطح تحصیلات، زنان مورد مطالعه در وضیت مناسبی قرار داشته‌اند (جدول ۲).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

جدول شماره (۲) : مشخصات فردی زنان مورد مطالعه

نوع کسب و کار	فراوانی	درصد
کشاورزی	۳۲	۲۳
دامپروری	۲۷	۱۹/۳
صنعتی	۶۸	۴۸/۴
خدماتی	۱۳	۹/۳
جمع	۱۴۰	۱۰۰
وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
بیوه	۴	۲/۹
مطلقه	۴	۲/۹
متأهل	۷۶	۵۴/۲
مجرد	۵۶	۴۰
جمع	۱۴۰	۱۰۰
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بیسواد	۱۲	۸/۶
خواندن و نوشتن	۶	۴/۳
ابتدایی و راهنمایی	۱۴	۱۰
دیپلم	۴۵	۳۲/۱
فوق دیپلم و بالاتر	۶۳	۴۵
جمع کل	۱۴۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

طبق داده‌های جدول ۳، زنان مورد مطالعه بیشترین تأثیرات مشاغل خود را در زمینه‌هایی نظیر کسب استقلال مالی و کاهش وابستگی، دسترسی بازارهای فروش مناسب، افزایش آگاهی نسبت به مسائل و موضوعات اقتصادی (عرضه، تقاضا، قیمت و غیره) و افزایش قدرت خرید زنان در فراهم کردن خوراک دانسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که این اثرات در مقاسه با سایر موارد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و اولویت‌های بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

جدول شماره(۳): اولویت‌بندی اثرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان روستایی

گویه	میانگین	انحرافمعیار	ضریبتغییرات	اولویت
استقلال مالی و کاهش یا عدم وابستگی به سایرین	۳/۷۷	۰/۸۵	۰/۲۲۵	۱
دسترسی به بازار های فروش مناسب	۳/۶۱	۰/۸۵	۰/۲۳۵	۲
افزایش آگاهی نسبت به مفاهیم اقتصادی(عرضه، تقاضا، قیمت)	۳/۲۳	۰/۷۸	۰/۲۴۱	۳
افزایش قدرت خرید در فراهم کردن خوراک	۳/۸۹	۰/۹۵	۰/۲۴۴	۴
آگاهی از ضوابط، شرایط و قوانین راه اندازی و اداره کسب و کار	۳/۵۲	۰/۸۸	۰/۲۴۵	۵
بهبود وضعیت تغذیه خانواده	۳/۴۵	۰/۹۵	۰/۲۷۵	۶
میزان آگاهی از وضعیت بازار کسب و کار	۳/۴۰	۰/۹۵	۰/۲۷۹	۷
دسترسی به مواد اولیه کار با قیمت مناسب	۳/۲۲	۰/۹۱	۰/۲۸۲	۸
دسترسی به مواد اولیه مرغوب	۳/۳۵	۰/۹۵	۰/۲۸۳	۹
بهبود وضعیت بهداشت و سلامت خانواده	۳/۳۲	۰/۹۲	۰/۲۸۴	۱۰
افزایش ریسک‌پذیری مالی	۳/۴۳	۱/۰۳	۰/۳۰۰	۱۱
افزایش آگاهی از روش‌های جدید در کسب و کار	۲/۷۴	۰/۸۵	۰/۳۱۰	۱۲
افزایش توانایی در تأمین هزینه نیازهای شخصی	۳/۳۲	۱/۱۲	۰/۳۳۷	۱۳
افزایش قدرت خرید در تأمین پوشاک	۳/۲۰	۱/۱۵	۰/۳۵۹	۱۴
پس‌انداز برای خانواده	۳/۳۶	۱/۲۱	۰/۳۶۰	۱۵
بهبود توانایی در پرداخت هزینه‌های تحصیل فرزندان	۳/۰۸	۱/۱۷	۰/۳۷۹	۱۶
افزایش حق مالکیت (زمین، خانه و ..)	۲/۶۲	۱/۲۰	۰/۴۵۸	۱۷
افزایش قدرت در خرید و فروش خانه/ زمین (دارایی‌ها)	۲/۴۹	۱/۲۲	۰/۴۹۰	۱۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

در مورد میزان اثرگذاری مشاغل خانگی بر هریک از ابعاداجتماعی زندگی زنان روستایی، بر مبنای یافته‌های تحقیق، مواردی نظیر افزایش سطح مهارت‌های فنی، مدیریتی و مالی در کسب و کار ایجاد و افزایش اعتماد به توانایی‌های خود در مدیریت کسب و کار، آگاهی از نحوه‌ی برخورد با مشتریان، افزایش توانایی در کنترل روند زندگی شخصی و اجتماعی، و آگاهی از نحوه تعامل و ارتباط با بازار از جمله مواردی بودند که از دیدگاه زنان در مقایسه با سایر موارد اولویت‌های بالاتری را به خود اختصاص دادند(جدول۴).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

جدول شماره(۴):اولویت‌بندی اثرات اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی

گویه	میانگین	انحرافمعیار	ضریبتغییرات	اولویت
افزایش سطح مهارت‌های فنی، مدیریتی و مالی	۳/۶۹	۰/۷۷	۰/۲۰۸	۱
ایجاد و افزایش اعتماد به توانایی‌های خود در مدیریت کسب و کار	۳/۶۵	۰/۷۷	۰/۲۱۰	۲
آگاهی از نحوه‌ی برخورد با مشتریان	۳/۶۵	۰/۷۸	۰/۲۱۳	۳
افزایش توانایی در کنترل روند زندگی شخصی و اجتماعی	۳/۶۸	۰/۷۹	۰/۲۱۴	۴
آگاهی از نحوه تعامل و ارتباط با بازار	۳/۶۳	۰/۷۸	۰/۲۱۴	۴
دسترسی به اطلاعات (حرفه‌ای و تخصصی، قانونی و مدیریتی)	۳/۵۳	۰/۷۶	۰/۲۱۵	۵
ورود به عرصه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی	۳/۶۲	۰/۷۸	۰/۲۱۵	۵
اعتماد به نفس برای ابراز عقیده شخصی در جمع فامیل و آشنایان	۳/۶۲	۰/۷۹	۰/۲۱۸	۶
ایجاد انگیزه برای تقویت و توسعه کسب و کار	۳/۷۲	۰/۸۲	۰/۲۲۰	۷
افزایش آگاهی از برنامه ها و حمایت‌های دولت از مشاغل خانگی	۳/۳۰	۰/۷۴	۰/۲۲۴	۸
افزایش علاقه و انگیزه برای شرکت در کلاس‌های آموزشی	۳/۲۶	۰/۷۴	۰/۲۲۷	۹
علاقمندی به کسب اطلاعات بیشتر در مورد کسب و کار	۳/۵۵	۰/۸۲	۰/۲۳۱	۱۰
افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی و یادگیری	۳/۲۴	۰/۷۶	۰/۲۳۴	۱۱
افزایش تجربه و اطلاعات تخصصی با شرکت در کلاس‌های آموزشی	۳/۴۷	۰/۸۳	۰/۲۳۹	۱۲
کسب آگاهی، اطلاعات و تجارب شغلی	۳/۴۴	۰/۸۲	۰/۲۵۵	۱۳
ایجاد انگیزه فعالیت اقتصادی در زنان دیگر روستا	۳/۰۳	۰/۹۱	۰/۳۰۰	۱۴
توانایی همکاری با زنان دیگر و همسایه‌ها	۲/۹۷	۰/۹۲	۰/۳۰۹	۱۵
تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های شخصی نسبت به زنان	۲/۹۶	۰/۹۴	۰/۳۱۷	۱۶
بهبود مشارکت در فعالیت‌های گروهی در روستا	۳/۱۳	۱/۰۱	۰/۳۲۲	۱۷
بهبود ارتباط با کارشناسان ادارات و سازمان‌های مربوطه	۳/۱۳	۱/۰۴	۰/۳۳۲	۱۸
از بین رفتن تفکرات سنتی در مورد زنان و توانایی آنان در روستا	۲/۵۱	۰/۸۹	۰/۳۵۴	۱۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

به منظور شناسایی اثرات مشاغل خانگی از تحلیل عاملی استفاده شد.محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی اثرات اقتصادی (KMO=۰/۷۸) مناسب و نیز آماره بارتلت در سطح یک درصد معنی‌دار است (جدول۵).

جدول شماره(۵):مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت اثرات اقتصادی مشاغل خانگی

	KMO	بارتلت	سطح معنی داری
اثرات اقتصادی	۰/۹۲۲	۱۴۴۴/۵۴۱۹	۰/۰۰۰**

** معنی‌داری در سطح یک درصد(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

با توجه به ملاک کیسر[1]، چهار عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک برای اثرات اقتصادی زنان موردمطالعه استخراج شده است. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای اثرات اقتصادی در چهار عامل دسته‌بندی شده است (جدول۶).

جدول شماره (۶):تعدادعامل‌های استخراج شده اقتصادی همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصدتجمعی

ردیف	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی
۱	بهبود وضعیت اقتصادی خانواده	۸/۵۳	۴۴/۹۲	۴۴/۹۲
۲	افزایش آگاهی اقتصادی	۱/۵۹	۸/۳۷	۵۳/۳۰
۳	افزایش استقلال مالی و پس انداز	۱/۲۰	۶/۳۰	۵۹/۶۰
۴	توان ریسک پذیری و نوآوری	۱/۱۱	۵/۸۵	۶۵/۴۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

بر اساس نتایج به‌دست آمده، بیشترین مقدار ویژه مربوط به عامل بهبود وضعیت اقتصادی خانواده (۸/۵۳) است که ۴۴/۹۲ درصد از واریانس اثرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان روستایی را تبیین می‌کند. پس از آن، به ترتیب عامل افزایش آگاهی اقتصادی(۸/۳۷ درصد)، عامل افزایش استقلال مالی و پس انداز(۶/۳۰ درصد) و عامل توان ریسک‌پذیری و نوآوری(۱/۱۱ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در مجموع، چهار عامل مذکور توانسته‌اند ۶۵/۴۵ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین نماید (جدول ۷).

جدول شماره (۷):متغیرهای مربوط به اثرات اقتصادی و میزان بارهای عاملی به‌دست آمده از ماتریس دوران یافته

عامل	نام عامل	متغیرها	بار عاملی
۱	بهبود وضعیت اقتصادی خانواده	افزایش قدرت خرید در تأمین خوراک	۰/۶۴۷
		افزایش قدرت خرید در تأمین پوشاک	۰/۷۰۹
		تأمینهزینه‌های شخصی	۰/۶۸۳
		افزایش دارایی‌های غیر منقول	۰/۷۷۳
		پرداخت هزینه‌های تحصیلی فرزندان	۰/۶۲۶
		بهبود وضعیت تغذیه خانواده	۰/۷۲۰
		بهبود وضعیت بهداشت و سلامت خانواده	۰/۶۴۹
۲	افزایش آگاهی های اقتصادی	افزایش آگاهی از وضعیت بازار کسب و کار	۰/۷۹۰
		افزایش آگاهی نسب به مفاهیم اقتصادی	۰/۹۰۵
		آگاهی از ضوابط و شرایط و قوانین کسب و کار	۰/۸۳۵
۳	افزایش استقلال مالی و پس انداز	افزایش پس انداز برای خانواده	۰/۷۳۷
		کاهش یا عدم وابستگی به سایر منابع درآمدی	۰/۸۴۷
۴	توان ریسک پذیری و نوآوری	بکارگیری روش‌های جدید در کسب و کار	۰/۸۸۲
		افزایش روحیه ریسک پذیری مالی	۰/۶۳۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

[1] Kaiser criterion

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، چهار عامل کلیدی به شرح زیر مهم‌ترین اثرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند:

عامل اول؛ هفت متغیر تشکیل‌دهنده عامل اول، به ترتیب بار عاملی (سهم متغیر در تشکیل عامل) عبارتند از: افزایش قدرت خرید در دارایی‌ها، بهبود وضعیت تغذیه خانواده، بهبود وضعیت بهداشت و سلامت خانواده، تأمین پوشاک، تأمین هزینه‌های شخصی، فراهم کردن خوراک و پرداخت هزینه‌های تحصیلی فرزندان. با توجه به ماهیت متغیرهای تشکیل‌دهنده، عامل اول به نام (بهبود وضعیت اقتصادی خانواده) نام گذاری شد.این عامل با توجه به مقدار ویژه ۸/۵۳ که از تمامی عامل‌های دیگر بیشتر است، به تنهایی ۴۴/۹۲درصد از تغییرات واریانس کل را تبیین می نماید. نتایج پژوهش آگهی و همکاران(۱۳۹۱)، دادورخانی(۱۳۸۵)، بولداجی و همکاران(۱۳۸۸)، توسلی و سعیدی(۱۳۹۰)، عرب‌مازار و سعدی(۱۳۸۴)، انجذاب و همکاران(۱۳۸۲)، ساروخانی(۱۳۷۰)، فلورس و رئلو[1](۲۰۰۳) و لی (۱۹۹۵) نیز نشان داد که اشتغال زنان روستایی به ارتقاء سطح زندگی و معیشت خانوار روستایی منجر می‌شود.

عامل دوم؛ سه عامل افزایش آگاهی از وضعیت بازار کسب و کار، افزایش آگاهی نسب به مفاهیم اقتصادی(نظیر عرضه، تقاضا و فروش)و آگاهی از ضوابط و شرایط و قوانین کسب و کار، عامل دوم را تشکیل داده‌اند. با توجه به ماهیت متغیرهای تأثیرگذار، عامل دوم به نام (افزایش آگاهی‌های اقتصادی) نام گذاری شد که با مقدار ویژه ۱/۵۹ در حدود۸/۳۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.این یافته نیز با نتایج پژوهش لطیفی و همکاران(۱۳۹۳) همخوانی داشت. به گونه‌ای که اشتغال در یک فعالیت درآمدزا و دریافت مستقیم درآمد، از جمله عواملی است که منجربه افزایش آگاهی اقتصادی زنان روستایی می‌شود.

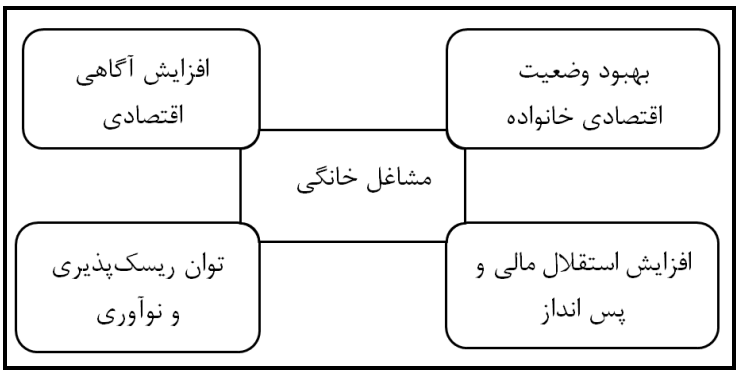
*عامل سوم؛*افزایش پس‌انداز برای خانواده و کاهش یا عدم وابستگی به سایر منابع درآمدی متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل هستند که به نام (افزایش استقلال مالی و پس انداز) نام‌گذاری شده است. این عامل با مقدار ویژه ۱/۲۰ در حدود۶/۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. عرب‌مازار و سعدی(۱۳۸۴) و کلانتری و همکاران(۲۰۰۴) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که اشتغال زنان منجر به استقلال‌مالی زنان شده و سبب می‌شود آنان از لحاظ اقتصادی به پدر یا بستگان خود وابستگی نداشته باشند. همچنین نتایج پژوهش یازار[2](۲۰۰۵) نیز مؤید این مسئله است.

عامل چهارم؛ دو متغیر تشکیل‌دهنده عامل چهارم، به ترتیب مقدار بار عاملی عبارتند از به‌کارگیری روش‌های جدید تولید، توزیع و فروش در کسب‌وکار و افزایش ریسک‌پذیری مالی. این عامل به نام (توان ریسک‌پذیری و نوآوری) نام‌گذاری شد. این عامل با توجه به مقدار ویژه ۱/۱۱ در حدود ۵/۸۵ درصد از

[1] Flores and Rello
[2] Yazar,

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

واریانس کل را تبیین می‌کند.با توجه به نتایج تحقیق، برنامه‌هایی به‌منظور تقویت روحیه‌ی ریسک‌پذیری در زنان روستایی در جهت راه‌اندازی و اشتغال در کسب وکارخانگی ضروری به نظر می‌رسد. بیگس و مسرشمید[1] (۲۰۰۵)، حیدری‌ساربان (۱۳۹۱)، میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸)، هیسریچ و براش[2](۱۹۹۸)، انتظاریان و طهماسبی(۱۳۸۹)، برخورداری(۱۳۸۹)، عباسلو و سبزه‌ای (۱۳۹۰)، هاشمی و پورامین‌زاد (۱۳۸۹) و غلامی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که توسعه ویژگی‌های شخصیتی و فردی نظیر خلاقیت و نوآوری، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری مهم‌ترین تأثیرات راه‌اندازی کسب و کارخانگی است. با توجه به نتایج تحلیل عاملی، می‌توان تأثیرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان را به صورت شکل ۳ نشان داد.



شکل شماره(۳): اثرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان روستایی

به منظور کاهش تعداد متغیرهای مرتبط با تأثیرات اجتماعی به عوامل محدودتر و تعیین سهم هریک از تأثیرات، از تحلیل عاملی استفاده شد. محاسبات انجام شده در جدول۸، نشان می‌دهد که انسجام درونی داده‌ها برای بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی اثرات اجتماعی (KMO=۰/۶۱۶) مناسب بوده، و آماره بارتلت نیز در سطح یک درصد معنی‌دار است.

جدول شماره (۸): مقدار ضریب KMO و آزمون بارتلت اثرات اجتماعی مشاغل خانگی

	KMO	بارتلت	سطح معنی داری
اثرات اجتماعی	۰/۶۱۶	۴۰۷۷/۰۸	۰/۰۰۰**

** معنی‌داری در سطح یک درصد(منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳).

[1] Biggs and Messerschmidt
[2] Hisrich and Brush

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

در این بررسی، با توجه به ملاک کیسر، پنج عامل برای اثرات اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه استخراج شد. پس از چرخش عاملی به روش وریماکس، متغیرهای اثرات اجتماعی تحقیق در پنج عامل دسته‌بندی شده است(جدول ۹).

جدول شماره (۹):تعدادعامل‌های اثرات اجتماعی استخراج شده همراه با مقادیر ویژه،درصد واریانس و درصد تجمعی

ردیف	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی
۱	افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی	۷/۲۸	۳۰/۳۶	۳۰/۳۶
۲	علاقمندی به کسب اطلاعات	۳/۳۴	۱۳/۹۲	۴۴/۲۹
۳	توسعه ارتباطات نهادی و فرصت‌های یادگیری	۲/۲۱	۹/۲۲۰	۵۳/۵۱
۴	تقویت انگیزه و توانمندی	۱/۹۱	۷/۹۴	۶۱/۴۵
۵	همکاری و مشارکت گروهی	۱/۶۸	۶/۹۹	۶۸/۴۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

بر اساس نتایج به‌دست آمده، بیشترین مقدار ویژه مربوط به عامل افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی (۷/۲۸۸) است که ۳۰/۳۶ درصد از واریانس اثرات اقتصادی مشاغل خانگی زنان روستایی را تبیین می‌کند. پس از آن، به ترتیب عامل علاقمندی به کسب اطلاعات (۱۳/۹۲درصد)، عامل توسعه ارتباطات نهادی و فرصت‌های یادگیری(۹/۲۱ درصد)، عامل تقویت انگیزه و توانمندی(۷/۹۴ درصد) و عامل همکاری و مشارکت گروهی(۶/۹۹ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در مجموع، پنج عامل مذکور توانسته ۶۸/۴۴ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین کنند. برای چرخش عاملی از روش وریماکس (جدول ۱۰) استفاده شد.

جدول شماره (۱۰): اثرات اجتماعی مشاغل خانگی و میزان بارهای عاملی به‌دست آمده از ماتریس دوران یافته

اولویت	نام عامل	متغیرها	بارعاملی
۱	افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی	افزایش توانایی در کنترل روند زندگی شخصی و اجتماعی	۰/۹۲۵
		افزایش آگاهی از نحوه تعامل و ارتباط با بازار	۰/۹۴۷
		افزایش آگاهی از نحوه برخورد با مشتری	۰/۹۴۴
		افزایش سطح مهارت‌های فنی، مدیریتی و مالی	۰/۹۶۲
۲	علاقمندی به کسب اطلاعات	افزایش علاقه‌مندی به کسب اطلاعات بیشتر در مورد کسب و کار	۰/۸۲۴
		ایجاد انگیزه فعالیت اقتصادی در زنان دیگر روستا	۰/۷۱۴
		دسترسی به اطلاعات(قانونی، مدیریتی، حرفه‌ای و تخصصی)	۰/۸۳۳
۳	توسعه ارتباطات نهادی و فرصت‌های آموزشی	افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی	۰/۶۶۱
		افزایش ارتباط با کارشناسان سازمان‌های مرتبط	۰/۷۷۹
		افزایش علاقه و انگیزه برای شرکت در کلاس‌های آموزشی	۰/۶۵۸
۴	تقویت انگیزه و توانمندی	افزایش انگیزه‌ی برای تقویت و توسعه کسب و کار	۰/۸۷۹
		افزایش اطلاعات تخصصی با شرکت در کلاس آموزشی	۰/۹۰۷
۵	همکاری و مشارکت گروهی	همکاری با دیگر زنان دارای همان نوع کسب و کار	۰/۸۷۰
		بهبود مشارکت در فعالیت‌های گروهی روستا	۰/۸۶۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

عامل اول؛ متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل شامل افزایش توانایی در کنترل روند زندگی شخصی و اجتماعی،افزایش آگاهی از نحوه تعامل و ارتباط با بازار، نحوه برخورد با مشتری و افزایش سطح مهارت‌های فنی، مدیریتی و مالی می‌باشد که به عنوان"افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی" نام‌گذاری شد. این عوامل که با مقدار ویژه ۷/۲۸ در حدود۳۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند، به‌عنوان مهم‌ترین عامل شناسایی شد. این یافته با نتایج پژوهش چامپاتی‌رودسوتی[1](۲۰۰۳) و هاشمی و پورامین‌زاد(۱۳۸۹) مطابقت داشت.

*عامل دوم؛*علاقه‌مندی به کسب اطلاعات، از دیگر عوامل شناسایی شده برای تبیین تأثیرات اجتماعی مشاغل خانگی بود که با مقدار ویژه ۳/۳۴ در حدود ۱۴ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نماید. متغیرهای این عامل شامل: افزایش علاقه‌مندی به کسب اطلاعات بیشتر در مورد کسب و کار، ایجاد انگیزه فعالیت اقتصادی در زنان دیگر روستا و دسترسی به اطلاعات (قانونی، مدیریتی، حرفه‌ای و تخصصی) می‌باشد که در مجموع نشان دهنده‌ی نقش مشاغل خانگی زنان در ارتقای دانش و اطلاعات مرتبط با کسب و کار می باشد. تأثیر این عامل همچنین در پژوهش آگهی و همکاران(۱۳۹۱) و عرب‌مازار و سعدی(۱۳۸۴) نیز مورد تأکید قرارگرفته است.

*عامل سوم؛*متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل عبارت‌اند از افزایش دسترسی به فرصت‌های آموزشی، افزایش ارتباط با کارشناسان ادارات و سازمان‌های حمایت از مشاغل خانگی و افزایش علاقه و انگیزه برای شرکت در کلاس‌های آموزشی که به عنوان"توسعه ارتباطات نهادی و فرصت‌های آموزشی" نام‌گذاری شد. این عامل با مقدار ویژه ۲/۲۱ در حدود ۹/۲۱درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند.نتایج تحقیقات بوس و همکاران[2] (۲۰۰۶)، پژوهش چامپاتی‌رودسوتی[3] (۲۰۰۳) و انجذاب و همکاران(۱۳۸۲) نیز موید تأثیر این عامل می باشد.

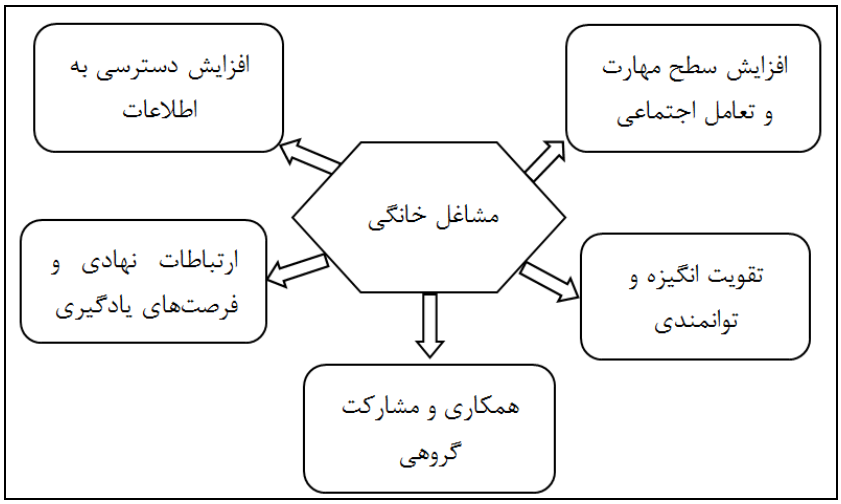
عامل چهارم؛ متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل، عبارت‌اند از افزایش ارتباط با زنان موفق سبب ایجاد انگیزه برای تقویت و توسعه کسب و کارو شرکت در کلاس‌های آموزشی سبب افزایش تجربه اطلاعات تخصصی؛ که به نام تقویت انگیزه و توانمندی نام‌گذاری شد. این عامل با مقدار ویژه ۱/۹۱ در حدود ۸ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کند. انجذاب و همکاران(۱۳۸۲)، آل‌ابراهیم و همکاران[4](۲۰۱۰)، هاشمی و پورامین‌زاد(۱۳۸۹)، لاریجانی و شعبانی‌نژاد(۱۳۸۹) و چامپاتی‌رودسوتی[5] (۲۰۰۳) نیز به نتیجه مشابهی دست یافتند. بنابراین می‌توان گفت اشتغال زنان توانسته است بر افزایش آگاهی و توانمندی زنان

[1] Champathes-Rodsutti
[2] Bose et al
[3] Champathes-Rodsutti
[4] Ale Ebrahim et al
[5] Champathes-Rodsutti

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

روستایی اثر داشته باشد که این امر به نوبه‌ی خود منجربه افزایش سهم مشارکت آن‌ها در تصمیم-گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، فردی و خانوادگی می‌شود.

عامل پنجم؛متغیرهای تشکیل‌دهنده این عامل عبارتند از همکاری با دیگر زنان دارای کسب و کار مشابه و همسایه‌ها و بهبود مشارکت در فعالیت‌های گروهی روستا که با توجه به ماهیت این متغیرها، این عامل با عنوان"همکاری و مشارکت گروهی" نام‌گذاری شد. این عامل با مقدار ویژه ۱/۶۷۹ در حدود ۷ درصد از واریانس کل را تبیین نموده و با نتایج پژوهش لاریجانی و شعبانی‌نژاد (۱۳۸۹) مطابقت داشت. بر مبنای دسته‌بندی اثرات اجتماعی مشاغل خانگی که با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی انجام شد، می‌توان مجموعه تأثیرات اجتماعی مشاغل خانگی زنان را به‌صورت شکل ۴ در نظر گرفت.



شکل شماره(۴): اثرات اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی

۵) نتیجه‌گیری

امروزه مشاغل خانگی به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تقویت بنیه اقتصادی و افزایش سطح توانمندی‌های فردی و اجتماعی شاغلین آن‌ها مورد توجه دولت‌ها قرارگرفته و بدون شک توسعه آن می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی ایفا نماید. نتایج این تحقیق نشان داداشتغال بهمشاغل‌خانگی برای زنان روستایی نیز فرصتی برای بروز برخی اثرات در بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان را فراهم نموده است.در این پژوهش اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی با استفاده از تحلیل عاملی شناسایی شد که بر این مبنا مشخص گردید مهم‌ترین تأثیر اقتصادی کسب و کارهای زنان، بهبود وضعیت اقتصادی آن‌ها و خانواده‌هایشان می‌باشد. این موضوع نشان دهنده آن است که علی‌رغم محدودبودن سطح درآمدهای ناشی از کسب و کارهای خانگی برای زنان روستایی، این مشاغل توانسته به نحو مؤثری بر سطح توانمندی اقتصادی خانوار روستایی تأثیرگذار باشد. با دقت در

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

متغیرهای تشکیل‌دهنده عامل «بهبود وضعیت اقتصادی» می‌توان دریافت که تأثیر کسب‌وکارهای خانگی در تقویت توان اقتصادی زنان موجب توانمندی آنان در تأمین هزینه‌های تحصیل، تغذیه، بهداشت و سلامت اعضای خانوار شده و از این جهت می‌تواند در ارتقاء شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی مؤثر باشد. از سوی دیگر،با توجه به نقش مؤثر تقویت بنیه اقتصادی شاغلین در توسعه و تداوم فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار آن‌ها، بایستی این تأثیر را حائز اهمیت دانست.

بدون شک توسعه و تدوام کسب و کارهای زنان روستایی علاوه بر بنیه اقتصادی و مالی، نیازمند دانش و آگاهی آن‌ها در انجام فعالیت‌های اقتصادی است. در این زمینه نیز یافته‌های تحقیق مؤید وجود ظرفیت‌هایی برای توسعه کسب و کارهای خانگی است؛ به‌طوریکه بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، ارتقای سطح آگاهی‌های اقتصادی زنان یکی دیگر از تأثیرات اقتصادی اشتغال زنان به کسب‌وکارهای خانگی است. به‌عبارتی،کسب و کارهای زنان با اثرگذاری مثبت بر بنیه اقتصادی و سطح آگاهی‌های اقتصادی آن-ها، بستر لازم را برای توسعه و تداوم فعالیت‌های اشتغال‌زای آنان را فراهم می‌آورد. در بین سایر تأثیرات اقتصادی کسب و کارهای زنان، مواردی نظیر افزایش پس‌انداز و نیز توانایی ریسک‌پذیری و نوآوری نیز مشاهده می‌شود که این دو عامل نیز به نوعی در فراهم‌سازی شرایط برای توسعه و تداوم کسب و کارهای زنان مؤثر می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت علاوه بر ارزشمندی جداگانه هر یک از اثرات اقتصادی کسب و کارهای خانگی، تأثیرات فزاینده‌این اثرات می‌تواند بسترساز توسعه و تداوم کسب و کارها به‌عنوان یک تأثیر پایدارتر باشد. البته طبیعی است که این موضوع به معنای آن نیست که فرآیند توسعه و تداوم کسب وکارهای خانگی زنان نیاز به برنامه‌های توانمندساز نداشته و تنها با راه‌اندازی مشاغل خانگی زنان، مسیر توسعه به طور خودجوش هموار می‌شود.

از دیگر تأثیرات مورد انتظار کسب‌وکارهای زنان، کمک به ارتقاء توانمندی‌های آن‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی است. با دقت در یافته‌های این تحقیق در مورد اثرات اجتماعی کسب و کارهای خانگی زنان نیز نکات قابل توجهی استنتاج می‌شود. افزایش سطح مهارت‌های فنی و اجتماعی، علاقمندی به کسب اطلاعات، توسعه ارتباطات نهادی، کسب فرصت‌های یادگیری و نیز همکاری و مشارکت گروهی از مهم-ترین تأثیرات اجتماعی کسب و کارهای خانگی است که از سویی نشان دهنده تأثیر مشاغل خانگی زنان بر ارتقاء توانمندی‌های فردی و اجتماعی بوده و از سوی دیگر به تأثیر مشاغل خانگی به‌عنوان بستری برای کسب مستمر مهارت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز از طریق یادگیری، ارتباطات و مشارکت به‌عنوان سه فرآیند مهم و مؤثر در توانمندسازی اشاره دارد. بر مبنای این یافته‌ها می‌توان اشتغال زنان روستایی به مشاغل خانگی را واجد ظرفیت‌های فراوانی برای توانمندی اجتماعی زنان شاغل و نیز سایر گروه‌های حاضر در شبکه ارتباطی آن‌ها دانست. بر این اساس توصیه می‌شود متولیان طرح مشاغل خانگی، علاوه بر تدارک برنامه‌های توانمندساز برای شاغلین اینگونه مشاغل، برای توسعه شبکه‌های ارتباطی و نهادی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

مناسب در سطح جوامع محلی نیز برنامه‌ریزی نموده و از مشارکت شاغلین به‌عنوان گروه‌های هدف برنامه‌های توانمندسازی اجتماعی کمک گیرد.

با توجه به نقش مؤثر کسب‌وکارهای خانگی زنان روستایی در ارتقاء سطح توانمندی‌های فردی و اجتماعی آنان، توصیه می‌شود علاوه بر برنامه‌ریزی برای افزایش نرخ راه‌اندازی اینگونه مشاغل در روستاها، برای ارتقاء سطح کیفی اینگونه مشاغل و ورود آن‌ها به سطوح بالاتری از فعالیت‌های اقتصادی نیز به نحو شایسته‌ای برنامه‌ریزی شود. در این زمینه می‌توان به توسعه و تقویت برنامه‌های آموزشی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی، بهبود وضعیت بازار کسب و کارهای خانگی، تأمین نیازهای حمایتی مشاغل و نیز تزریق ایده‌ها و اندیشه‌های نو و فناوری های جدید برای غلبه بر یکنواختی و رکود فعالیت‌ها و پیشتازی در فضای رقابتی به‌عنوان برخی راهکارهای مؤثر بر افزایش سطح کیفی این‌گونه مشاغل اشاره نمود.

۶) منابع

- احمدپورداریانی، محمود، (۱۳۸۵)، **کارآفرینی در کسب و کارهای خانگی**، تهران: قلم.
- انتظاریان، ناهید و طاهره طهماسبی، (۱۳۸۹)، **موانع و راهکارهای توسعه‌ی مشاغل خانگی در ایران**، ماهنامه‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، شماره ۱۲۷، صص ۹۸- ۷۸.
- انجذاب، بهناز، تهمینه فرجخدا، و اعظم خوشبین، (۱۳۸۲)، **اشتغال زنان و تأثیر آن بر سلامت روانی خانواده**، دو فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری. دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی استان اصفهان، سال اول، شماره اول. صص ۱۴۱-۱۱۱.
- آگهی، حسین، علی‌اصغر میرک‌زاده، و معصومه تقی‌بیگی، (۱۳۹۱)، **اولویتبندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی**، فصلنامه علمی – پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره سوم، پاییز، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- برخورداری، فاطمه، (۱۳۸۹)، **چالش‌ها و راهکارهای توسعه کسب و کارهای خانگی**، ماهنامه بازارکار، سال ۱۱ شماره ۵۹۳، ص ۶.
- بلداجی، املیلاتاتینا، آمنه فروزان، و حسن رفیعی، (۱۳۸۸)، **کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی**، فصلنامه‌ی علمی- پژهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، صص ۲۸- ۹.
- توسلی،افسانه و وحیده سعیدی، (۱۳۹۰)، **تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی**، مجله زن در توسعه و سیاست، ۹(۳): صص ۱۴۹- ۱۳۳.
- حیدری‌ساربان، وکیل، (۱۳۹۱)، **اولویت‌بندی موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی(با روش AHP)**. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۷۷- ۱۵۹.
- داورخانی، فضیله، (۱۳۸۵)، **توسعه‌ی روستای و چالش‌های اشتغال زنان**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵، صص ۱۷۱ - ۱۸۸.
- زالی، محمدرضا و سیدمصطفی رضوی، (۱۳۸۷)، **پژوهشی در زمینه موانع توسعه کارآفرینی در ایران**، تهران : دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: سروش.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

- سروش‌مهر، هما، حامد رفیعی، خلیل کلانتری و حسین شعبانعلی‌فمی، (۱۳۸۹)، **بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن(مطالعه موردی: شهرستان همدان)**. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۳- ۱۶۶.
- سعدی، حشمت‌اله و جیران چام‌چام، (۱۳۸۸)، **اثرات اقتصادی- اجتماعی کسب و کارهای کوچک زنان روستایی در استان لرستان**. مجموعه مقالات دومین همایش توسعه پایدار روستایی، محل برگزاری همدان. صص ۱۱۰- ۱۲۲.
- سعدی، حشمت‌اله، حسین شعبانعلی‌فمی و سمیه لطیفی، (۱۳۹۱)، **سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن**، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱، شماره۲، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- عباسلو، مهدی و فاطمه، سبزه‌یی، (۱۳۹۰)، **بررسی مدل‌های دوره عمر در کسب و کارهای کوچک و متوسط**، ماهنامه تدبیر، شماره ۲۳۰، ص۳۴.
- عرب‌مازار، عباس و حشمت‌اله سعدی، (۱۳۸۴)، **بررسی جایگاه بانک کشاورزی در حمایت از زنان سرپرست خانوار روستایی**، فصل‌نامه پژوهشی بانک کشاورزی شماره سوم. صص ۲۲ – ۲۷.
- غلامی، نادر، (۱۳۹۱)، **بررسی عوامل مؤثر بر راه‌اندازی کسب و کار خانگی و ارائه الگوی آن در شهر تهران**، ماهنامه‌ی کار و جامعه، ش۱۴۳، صص ۱۸- ۴.
- فراهانی، حسین، زکیه رسولی‌نیا و زهرا اصدقی‌سراسکانرود، (۱۳۹۳)، **عوامل اثرگذار بر رشد کارآفرینی در نواحی روستایی، مورد : دهستان جابرانصار در شهرستان آبدانان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳. صص ۱۶-۱
- قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، (۱۳۸۹)، **مرکز جامع توانمندسازی و کارآفرینی زنان و خانواده**، دسترسی در سایت اینترنتی:
http://www.mjtkz.com/index.aspx?siteid=1&pageid=519
- قلی‌پور، آرین و اشرف رحیمیان، (۱۳۸۸) **رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار**، فصلنامهٔ علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره۴۰، صص ۳۰-۶۲.
- کتابی، محمود، بهجت یزدخواستی و زهرا فرخی‌راستابی، (۱۳۸۲)، **توانمندسازی زنان برای مشارکت درتوسعه**، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱،سال۳، شماره ۷، پاییز، ۵ -۳۰.
- لاریجانی، نرگس و اسماعیل شعبانی‌نژاد، (۱۳۸۹)، **بررسی نقش کسب و کارهای خانگی در توسعهٔ اشتغال و کارآفرینی زنان**. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، سیویلیکا، محل برگزاری شهر شیراز، ۲۷- ۲۸ بهمن ۱۳۸۹. صص ۷۲ – ۱۱۱.
- لطیفی، سمیه، حشمت‌اله سعدی و حسین شعبانعلی‌فمی، (۱۳۹۳)، **اثرات اجتماعی-اقتصادی تعاونی‌های زنان قالیباف استان همدان**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳. صص ۱۱۷ – ۱۳۹.
- محمودیان، حسین، (۱۳۸۲)، **بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵**، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره۲۱۱، صص ۲۱۸- ۱۸۹.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، **سرشماری نفوس و مسکن** ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۲)، سالنامه آماری کشور.
- موالی‌زاده، محمدرضا، (۱۳۸۹)، **طرح ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی بستر توسعه اشتغال**، مجموعه مقالات کامل اولین همایش ملی توسعه مشاغل خانگی، چالش‌ها- راهکارها، تهران. صص ۱۷۱- ۱۸۰.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]

- میرغفوری، سیدحبیب‌الله، حسین صیادی‌تورانلو و محسن طاهری‌دمنه، (۱۳۸۸)، **تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان**، پژوهش‌نامه‌ی مدیریت تحول، سال ۱، شماره ۲، صص ۶۴-۴۷.
- نجفی‌کانی، علی‌اکبر، مهدی حسام و حدیثه آشور، (۱۳۹۴)، **سنجش وضعیت توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱. صص ۵۶-۳۷.
- وزارت تعاون، کار، رفاه و امور اجتماعی تعاون، (۱۳۸۹). دسترسی در سایت:
www.mcls.gov.ir/cooperative-fa.htm
- هاشمی،حامد، و پورامین‌زاد، سعیده، (۱۳۸۹)، **ارزیابی شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه‌ی کسب و کار و کارآفرینی زنان در ایران (مطالعه موردی استان گیلان)**، اولین کنفرانس بین‌المللی، مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، محل برگزاری شهر شیراز، ۲۷ – ۲۸ بهمن ۱۳۸۹.
- Ale Ebrahim N. & S. Ahmed1 and Z. Taha, (2010), **Virtual R&D teams and SMEs growth: A comparative study between Iranian and Malaysian SMEs**. African Journal of Business Management Vol. 4(11), pp. 2368-2379.
- Biggs, S.D. and Messerschmidt, D. , (2005), **" Social Responsibility in the Growing Handmade paper Industry of Nepal"**, Livelihoods Support Program, Working paper 7, Access to Natural Resources Sub-Program, World Development, No 11:Pp 1821-1843.
- Bose, S. P., Lal, P.S., Pareek, M. and Saigal, S., (2006), "**Forest-based associations in India- an overview**", Winrock International India and IIED, London, UK.
- ChampathesRodsutti, Michita (2003),"Organizational **diagnostic factors in family business: Case studies in Thailand**". Emerald Group Publishing Limited. Vol 19, No 2, pp. 57–68.
- Croll, E., (1987), **New peasant family forms in rural China.The Journal of Peasant Studie**s **development**. Vol 14 , No 4,Pp 469–499 .
- Flores, M. and Rello, A., (2003), "**Social Capital and Poverty Lessons from Case Studies in Mexico and Central America"**, ESA Working Paper, No 3: Pp 3- 12.
- Gibson J. a and S. Olivia, (2010), **The Effect of Infrastructure Access and Quality on Non-Farm Enterprises in Rural Indonesia**. World Development.
- Haggblade, Steven & Hazell, Peter B. R. & Reardon, Thomas, (2009**), "Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world,"** Issue briefs 58, International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Hisrich R. & C. Brush (1998). **"The woman entrepreneur: Management Skill and business problems"**, Journal of small Business Managemant, Vol.22, pp.30-37.
- Jones, O. and Macpherson, A., (2006), **'Inter-Organizational Learning and Strategic Renewal in SMEs: Extending the 4I Framework'**. Long Range Planning, Vol. 39(2), pp. 155-175.
- Kaur, A, Sherbinin, A, Toure, A, Jensen,L, (2005), **Economic Empowerment of Women**, United Nations Population Fund (UNPF).
- Lee, C. K., (1995), **Production politics and labour identities: Migrant workers in South China**. In China Review 1995, ed. L. C. Kin, S. Pepper, and T. K. Yuen, pp. 151–1528. The Chinese University Press, Hong Kong.
- Ozkan, S. and Erdogan, Z., (2008)," **The change that handicrafts of turkey have Gone Through**", the social science, No 3, Pp 41-44.
- Reardon ,T. (1997), **Using evidence of household income diversification to inform study of the rural nonfarm labour market in Africa**, World Development, Vol 5, No 25 , pp. 735–747.
- Yazar, A., (2005), "**Handicrafts activities (el sanatlarifaaliyetleriraporlari**", Tramve Koy Is lsri Bakanligi Tepkilatanmavedesteklemegenelmudurlugu EI sanatlari Baskanligi, Ankara, No 45, Pp 54-63.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2026-11-07]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.4.12.93]